



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



فرهنگنامه
حج و عمره و اماکن مربوطه
دفتر اول

کتاب شماره

۳۳

نوشته‌ی: م. مهریزی (مصدر طباطبائی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگنامه ی حج و عمره و اماکن مربوطه

نویسنده:

م - مهریزی (صدر طباطبایی)

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فرهنگنامه ی حج و عمره و اماکن مربوطه
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	پیشگفتار
۱۴	حج ، یکی از شاخص های اسلام
۱۵	حج نمایان گر چهره ی اسلام
۲۰	تعریف حج و عمره
۲۱	اقسام حج
۲۳	اقسام عمره
۲۳	آشنایی اجمالی با برنامه های حج و عمره
۲۴	برنامه ی حج تمتع
۲۵	برنامه ی حج افراد و قران
۲۶	برنامه ی عمره مفرده
۲۷	ماه های حرام
۲۹	ماه های حج
۳۱	جزیره العرب
۳۲	میقات ها
۳۶	مکه
۳۸	مسجد الحرام
۳۹	کعبه
۴۳	ارکان کعبه
۴۴	حجر الاسود
۴۴	جامه ی کعبه

٤٥ مقام ابراهيم عليه السلام

٤٦ مُلْتَزَم

٤٦ مُسْتَجَار

٤٦ حجر اسماعيل عليه السلام

٤٦ حطيم

٤٧ ناودان طلا

٤٧ زمزم

٤٩ صفا و مروه

٤٩ عَرَفَات

٥٠ مُشْعَرُ الْخَرَام

٥٠ مِئِي

٥٢ مدينه

٥٥ درباره مركز

فرهنگنامه ی حج و عمره و اماکن مربوطه

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهریزی ، م .

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگنامه ی حج و عمره و اماکن مربوطه / [از م - مهریزی (صدر طباطبایی)].

مشخصات نشر : قم: موسسه در راه حق و اصول دین، 1361 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : در راه حق؛ کتاب شماره 33.

شابک : 42 ریال

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حج

موضوع : حج -- اصطلاح ها و تعبير ها

شناسه افزوده : موسسه در راه حق

رده بندی کنگره : BP188/8/م92ف4 1361

رده بندی دیویی : 297/357

شماره کتابشناسی ملی : 1302499

فرهنگ نامه ی حج و عمره و اماکن مربوطه

از: م- مهریزی (صدر طباطبائی)

ناشر: انتشارات در راه حق و اصول دین - قم

حروف چینی از: حروف چینی خودکار - تهران

چاپ خانه: سلمان فارسی - قم

تیراژ: 20000 جلد

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

بهار 1361 شمسی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قربانی

ص: 1

اشاره

فرهنگ نامه ی حج و عمره و اماکن مربوطه

از: م- مهریزی (صدر طباطبائی)

ناشر: انتشارات در راه حق و اصول دین - قم

حروف چینی از: حروف چینی خودکار - تهران

چاپ خانه: سلمان فارسی - قم

تیراژ: 20000 جلد

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

بهار 1361 شمسی

ص: 2

پیشگفتار

610 سال از تولد مسیح علیه السلام می گذرد:

در کشور چین مردی از خاندان «ثانگ» به نام «کائوشو»، و در سرزمین آفتاب تابان «ژاپن» شخصی به نام «شوشو کوتاشی» حکومت می کند. در هندوستان دو فرمان روا در شمال و جنوب حاکمند و در همان حال پادشاهی دیگر به نام «کومارا» در «آسام» حکومت مستقلی دارد .

از انقراض روم غربی چند قرن گذشته، و امپراطور روم شرقی و متصرفات آن (سوریه و مصر و ...) مردی است به نام «هراکلیوس» که عرب ها نامش را «هرقل» تلفظ می کنند.

اسپانیا در دست «ویزیگتها» است، و خاندان «مروئژین» هنوز در سرزمین «گل» فرانسه کنونی حکومت می کنند و انگلستان به صورت هفت کشور کوچک در جنوب و شمال و مرکز توسط انگلوساکسون ها اداره می شود.

و در ایران هنوز سلسله ساسانی پا بر جاست، و خسرو پرویز (فرزند هرمز چهارم)، پادشاه عیاش ساسانی با استبداد تمام سلطنت می کند...

در این سال، در شبه جزیره العرب، در اطراف مکه در غاری به نام «حرا» طرح بزرگ ترین و پایا ترین بنا ها ریخته می شود؛ بنایی فراگیر فراخنای زمین و درازای زمان و سراسر تاریخ، بنایی که در برابر همه ی حوادث طبیعی و رویداد های غیر طبیعی استوار است (و از باد و باران نیابد گزند)... بنایی شکوهمند که بر ویرانه ی بت کده ها، آتش کده ها، کلیسا ها، کنیسه ها، دیر ها و کنشت ها و بر خرابه ی کاخ های ستم و بیداد بنیاد شده است. بنایی بر مبنای کرامت و فضائل انسانی بر مبنای خدا جویی، حقیقت پویی، عدل و راستی. بنایی که انسان ها را به هدایت می خواند و به سوی سعادت جاودان می برد...

این بنای عظیم نه پاسارگاد است و نه پرسپولیس، نه ایوان مدائن است و نه باغ های معلّق بابل، نه از آشور نشانی دارد نه از کلدیه؛ از «ماد» در آن اثری نیست و با «ثمود» و «عاد» پیوندی ندارد، همانند اهرام مصر بر گرده ی زجر کشان بنا نشده است که پناهگاه انسان های زجر دیده است، شکوه و سادگی و بی پیرایگی آن کاخ سفید ها، کرمین ها، ورسا ها، الیزه ها و بوکینگهام ها را شرمگین می سازد و انسان های آزاده را همواره به تحسین و اعجاب و امیدوار می دارد... توده های مستضعف و محروم، مشتاقانه دل در هوای این بنا دارند و بر آستانش چهره بر خاک می ساینند و به یادش اشک شوق می بارند.

این بنا به فرمان خدای جهان و به دست توانای برترین پیام آوران آسمانی، در 27 رجب سال چهارم از «عام الفیل» و سال 610 میلادی پی ریزی شد؛ با بنیاد این بنا انسانیت تولّدی

تازه یافت و انسان ها چشم اندازی گسترده و نوید بخش فرا راه خویش دیدند.

انسان های رنج کشیده و همواره مظلوم و پای در بند، از دور و نزدیک در یافتند پناهگاهی مطمئن در پیش دارند، از این رو سر از فرمان بت های جان دار و بی جان بر تافتند، و عاشقانه به سوی بنیان گزار این بنا شتافتند.

در های این خانه ی بشریت به روی همگان باز بوده و هست، اما مستکبران و طاغوتیان ضد بشر را در آن راهی نبوده و نیست ؛ سر کشان و ستم گران همواره خود را در برابر این خانه ی عدل و امن در تنگنا دیده و می بینند.

این خانه شکوهمند و سراسر حیات و جاذبه و زیبایی، کاخ های پوشالی را از رونق افکند و کاخ نشینان را دچار حسرت کرد.

مصالح این خانه از آجر و سنگ و سیمان نیست که از ایمان است، و از مرمر و رخام و گرانیت نیست که از کرامت انسان و فضایل معنوی اوست. این بنا برج و بارو دارد اما نه چون برج و بارو های کاخ ها و دژ های ستم گران؛ دیده بانان و پاس دارانی دارد که حافظان حریم شرف و عدالتند. این خانه چنان بزرگ است که همه انسان ها را از هر نژاد و رنگ و زبان و اقلیم، در خویش جای دهد و چنان جامع است که تمام نیاز های مادی و معنوی ساکنان خود را در همه ی ابعاد زندگی تأمین می کند...

این عمارت، ساده، بی تکلف، فرا گیر و گسترده، بی رنگ از رنگ ها و پیراسته از نیرنگ ها، به دور از انگ ها و ننگ ها و پاکیزه از

پلیدی‌ها و پلشتی‌هاست. در بی‌رنگی آن «صبغة الله» و رنگ آمیزی حق و نشان حقیقت می‌بینی؛ پاس دارانش پاکانند، و کوخ نشینان را از هر سوبه درون خویش فرا می‌خواند و کاخ نشینان ستم‌گر مغرور را به شدت از حریم خویش می‌راند.

تعرفه‌ی ورود به این خانه دو جمله است: لا إله إلا الله و مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ ... آری این خانه‌ی آباد این عمارت زیبا و دل‌انگیز این قلعه‌ی بلند و استوار «اسلام» است که کرامت و مکتب فضیلت است، که ضامن سعادت و مجموعه‌ی کمالاتی است که انسان مستعد و مشتاق می‌تواند به آن دست یابد. برنامه‌های حباتی و سعادت آفرینش جاودان و همیشگی است و امتداد و استمرارش به روز واپسین می‌پیوندد.

(1)

اسلام؛ این خانه‌ی امید انسان‌های خدا جو، اصول و اساسی دارد «اعتقادی» (در رابطه با باورهای یک مسلمان متعهد و آگاه و راستین) و پایه‌هایی و ستون‌هایی دارد «عملی» که نشانه و تجسم عینی باور هر مسلمان معتقد است.

یکی از پایه‌های عملی اسلام «حج» است، و هر مسلمانی بخواهد واقعاً - و نه فقط در شناسنامه - مسلمان باشد باید نسبت به حج و سایر مبانی عملی اسلام، بر خوردی مسئولانه و توأم با شناخت داشته باشد؛ و این نوشتار پیرامون این فریضه‌ی بزرگ و اهمیت آن و نیز به عنوان فرهنگ‌نامه‌ی در مورد حج و عمره و

ص: 6

1- (حَتَّىٰ جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَجَاءَ بِالْقُرْآنِ وَبَشْرِيَعَتِهِ وَ مِنْهَا جِهَ فَحَلَالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)
(-اصول کافی ج 2 ص 17

حج، یکی از شاخص های اسلام

(... وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ) : و بر مردم لازم است که برای خدا حج خانه (ی کعبه) را به جا آورند، (و این تکلیفی است بر) هر کس که استطاعت و توانائی راهی شدن به سوی آن را داشته باشد، و هر کس کفر بورزد پس خدا از جهانیان بی نیاز است. (1)

اسلام به منظور تجلی برنامه های عالی و ارزش های متعالی و والایی که دارد و در رابطه با طرد بدعت ها و نفی معیار های ضد خدایی، شاخص هایی در مراحل مختلف تعیین کرده است تا مسلمانان برای شناخت صحیح اسلام راستین، به آن بنگرند و خویشتن را با آن تطبیق دهند به کمک این شاخص ها می توان اسلام را باز شناخت، و هم می توان راز تداوم و استمرار آن را در این شاخص ها در یافت.

یکی از این شاخص ها حج است که می تواند سیمای اسلام را در چهره ی حج گزار نمایان سازد، و به دیگر سخن، اسلام برای تعیین همگونی ها و نا همگونی ها، و برای تشخیص سنخیت ها و تضاد ها با خویش چند علامت به عنوان «محک و بوته ی امتحان» دارد و این بوته های آزمایش رویش گاه گلبوته های شرف و کرامت انسان ها بوده و هست و حج یکی از نشانه ها و آزمون های بزرگ آیین اسلام است و با توجه به همین نکته است

ص: 7

که «حج» می باید و می تواند منعکس کننده ی بخش بزرگی از فرهنگ غنی و پر بار و سرشار از حیات و حرکت اسلامی باشد.

حج نمایان گر چهره ی اسلام

زمان برگزاری مراسم حج که نزدیک می شود نشاط چشم گیری جهان اسلام را فرا می گیرد. آنان که ایمان دارند و از استطاعت مالی و بدنی بهره مندند به ندای حق (که با نوای جان فزای قهرمان توحید و خلیل خدا حضرت ابراهیم علیه السلام در عالم ظنین افکند) لبیک می گویند، و آماده می شوند تا فرمان خدا را به مرحله ی اجرا گذارند. افراد مستطیع و متعهد، با سری پر شور و دلی لبریز از عشق و ایمان به سوی بزرگ ترین اجتماعات اسلامی - انسانی را که ضامن بقاء دین است تشکیل دهند و وحدت و هماهنگی مسلمانان را حیاتی نو بخشند، که این خود یکی از اسرار و عوامل پیشرفت و پایداری اسلام است.

مسلمانان علی رغم هر گونه اختلاف قومی، نژادی، اقلیمی، مذهبی و مسلکی در مکه گرد می آیند و یک هدف را دنبال می کنند و اطراف یک خانه می گردند و هر گونه امتیازات پوشالی و پوچ را فراموش می کنند، و ساده ترین لباس را می پوشند، و مشتاقانه می کوشند خشنودی صاحب خانه را به دست آرند. از هر گونه خود ستایی و جنگ و جدال و ناسزاگویی به یک دیگر می پرهیزند و به نفی طاغوت (درونی و بیرونی) می پردازند و در معبود راستین می گریزند که بیمار غم اویند، و

ص: 8

تیمار درد خویش دارند و درمان می جویند، از او که «سید» است و «صمد» و «الله» است و «احد»، و چه زیباست نامش، آن کس که او را یافت چه کم دارد؟ و از بیش و کم چه غم؟ و آن کس که خود را باخت و خدا را نشناخت چه یافت؟ ... بگذریم

آری حج گزاران مؤمن و صادق «الله» را می خوانند، با دلی پاک و ضمیری تاب ناک، و با سینه بی سوزان و اشکی ریزان، و هستند کسانی که او را به «عین الیقین» در می یابند (که این مواقف بزرگ و شورزای، هر یک مشهدی است از مشاهد حق که خدا را باید به مشاهده نشست) و مراسم حج همگی نمایشی است از دستورات اصیل و سازنده ی اسلام.

حج، یکی از پایه های دین اسلام است (1) که هم ضامن بقای این مکتب است و هم می تواند سیمای آن را زنده نگه دارد، و مسلمانان با عمل به ارکان و برنامه های گسترده و متنوع این فریضه ی بزرگ فرصت آن را می یابند که اسلام را از نو باز شناسند.

اگر کسی عمل حج را با خلوص نیت به جای آورد می تواند تولدی تازه یابد، آن هم در سرزمین وحی و پایگاه توحید و مهد پیامبر صل الله علیه و اله، «در بلدی امین و شهری حرام». و شرطش اینست که حج گزار خود را «غسل» دهد (و البته نه غسل تعمید که از مقوله ی تشریفات است در آیین ترسایان) و این غسل تجرید است به شیوه ی پارسایان پاک باز و غسل «تطهیر» است با آبی

ص: 9

که زلال ترین و پاک ترین است، آبی که از جان مایه می گیرد و باید در رگ ها و مویرگ های تن جریان یابد تا زنگار هوس ها، پلیدی ها و پلشتی ها را از روان رهروان بزدايد؛ این آب را در برکه ی توبه و بازگشت به مبدأ خویش باید جست و بس. و راستی چه کسی در کجا و کی تا کنون توانسته یا می تواند در گنداب مادّیت و مرداب الحاد و رذیلت، به پالایش روان خویش توفیق یابد؟ و تو مسلمان حج گزار، اگر موقف خود را باز شناسی و در موافق حج خود را بازیابی، با باز سازی خویش و تعهد این که همواره نسبت به ارزش های آسمانی متعهد بمانی، می توانی به معنای راستین کلمه «مولودی مسعود باشی» که «طالع سعدش» زایجه اش (1) را مبارک و متبرک رقم زده است، و خواهی دید که: بالای سرت ز نور مندی - تاییده ستاره ی بلندی (2)

و بی جهت نیست که در روایت آمده است: «اگر کسی آن طور که خدا فرموده و خواسته است حج گزارد، مانند کسی است که تازه از مادر تولّد یافته باشد» (3)

و تو حج گزار می توانی سیمای اسلام عزیز را در آینه ی حج بنگری، و در این آینه راستی کاستی نیست، و اگر تو نمی نگری نقص از دید توست نه از آینه، و به طریق اولی نه از آینه دار.

ارزش های متعالی و معنوی و کرامت انسان ها در رابطه با

ص: 10

1- ورقه بی که هنگام تولد کودک نوشته می شود.

2- شعر از سعدی، و اصل آن: «بالای سرش ز هوشمندی» است (گلستان)

3- فروع کافی ج 4 ص 262... (وَ صِنْفٌ یَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ یَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ)

شناختن خدا و شناخت «خویشتن خویش»، و بندگی خدا و نیایش او، و نفی ارزش های طاغوتی و مادی، قابل لمس و درک و قبول است. با طرد خصیصه های الحادی و نفی خصلت های پست و منش های نا پسند، و با جایگزینی صفات عالیه ی انسانی (ایثار، گذشت و فدا کاری در راه خدا، نوع دوستی، همکاری و هماهنگی در مبارزه با دشمنان مشترک، و مراعات جنبه های دیگر اخلاقی و ایمانی) و در پرتو بینش خود آگاهی و تعهد است که می توان به ارزش های والای اسلامی - انسانی پی برد و آن ها را شناخت یا شناساند.

با کنجکاوی و بررسی دقیق، بیشتر این ارزش ها را -در سطحی بالا- در برنامه های حج منعکس و متبلور می بینم، ولی به این شرط که این ارزش ها به ضد ارزش مبدل نشود.

انان که با دلی پاک و آکنده از عشق به خدا و هدفی عالی و نیتی خالص به میقات می رسند، با پوشیدن لباس ساده ی احرام، خود را از ظواهر فریبنده و لباس های فاخر و زینت ها که وسیله ی خود نمایی است جدا می سازند، و با نیت که اساس و پایه ی اعمال است (1) لبیک گوین آماده می شوند از کار هایی که شارع اسلام برای شخص «مُحْرَم» حرام کرده اجتناب نمایند؛ از آن چه جز خداست می برند و به خدا و یاد او می اندیشند، هر چه به خانه ی خدا (که مرکز توحید است) نزدیک و نزدیک تر می شوند، خاضع تر می گردند و می کوشند تمام اعضا و جوارح خود را مطیع و فرمان بر خدا کنند، نه به حیوانی آسیب می رسانند و نه گیاهی را

ص: 11

می کنند. چشم را از نگاه به نا محرم و گوش را از شنیدن غیبت و زبان را از سخن ناسزا و ناروا باز می دارند، و فرو تنانه به مکه وارد می شوند و به سوی خانه بی که محبوب ترین و گرمی ترین مکان ها نزد خداست رهسپار می گردند. و چون به مسجد الحرام درآیند دست ها را به سوی آسمان بلند می کنند و با «صاحب خانه» به سخن می پردازند: «... خدایا من بنده ی تو، شهر شهر تو و خانه خانه ی تو، آمدم تا رحمتت جویم و اطاعتت کنم، مطیع فرمانت هستم و به آن چه مقدر کنی راضیم، چون شخصی در مانده در پیشگاه تو، و ترسان از عقوبت تو، از تو مسئلت می کنم، خدایا در های رحمتت را بر من بگشای و مرا به طاعت و رضای خودت وا دار» (1) و با طواف به گرد خانه و نماز در پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) با خدا به راز و نیاز می نشیند، و دل را صیقل می زند، و با سعی بین دو کوه صفا و مروه نخوت و تکبر را از خود دور می کند (که این عمل مقدّس به منظور ذلّت جباران و گردن کشان تشریح شده است) (2) و همین طور تا آخر اعمال و برنامه های حج نمایشی از دستورات اسلامی را می نگرند در حالی که خود در اجرای این نمایش چون دیگران شرکت و نقش دارد.

ص: 12

1- فروع کافی ج 4 ص 401

2- فروع کافی ج 4 ص 434) ... مَا مِنْ بُعْثَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُدَلُّ فِيهَا كُلُّ جَبَّارٍ وَرَوَى أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ جُعِلَ السَّعَى فَقَالَ مَذَلَةٌ لِلْجَبَّارِينَ قَالَ لَيْسَ لِلَّهِ مِنْسَكٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ السَّعَى وَذَلِكَ أَنَّهُ يُدَلُّ فِيهِ الْجَبَّارِينَ)

1- «حج»: در لغت به معنای قصد و آهنگ و به چند معنای دیگر آمده است (1) و در اصطلاح شرع مقدس اسلام، «حج» سفری است به مکانی مقدس و بلدی حرام و محترم به نام «مکه»، در ماهی حرام و معظم «ذی حجه» به منظور زیارت خانه ی خدا «کعبه» و انجام چندین برنامه ی عبادی اسلام به نام «مناسک و اعمال حج» در چندین موقف و میعاد گاه (که همگی در مکه و اطراف آن قرار دارد).

این سفر پر فیض و شکوهمند، به شرط تمکن مالی و سلامت جسمی و باز بودن راه (که در مجموع «استطاعت» نامیده می شود) بر هر مسلمان «مستطیع» در تمام عمر یک بار به عنوان «حَجَّةُ الْإِسْلَام» (2) لازم و واجب است و ترک این عمل واجب اسلامی یا تأخیر و تقصیر در آن از گناهان بزرگ شمرده شده است. (3)

2- «عُمْرَة»: در لغت به معنای آهنگ زیارت و قصد مکانی معمور و آباد می باشد، و در اصطلاح شرع اسلام، اعمالی

ص: 13

1- جواهر الکلام ج 17 ص 219. از جمله ی معانی: کف و خویشتن داری، آمدن، پیروزی بر خصم در مقام استدلال، فلاح و رستگاری است: بحار الانوار ج 99 ص 2

2- به فتح «حاء» یعنی حجی که به عنوان اولی با جعل و تشریح شارع مقدس، واجب گردیده است. بنا بر این اگر کسی نذر کند یا عهد نماید یا سوگند خورد که حج گزارد گر چه انجام حج بر او واجب می شود ولی این حج به عنوان «حججة الاسلام» خوانده نمی شود بلکه از آن به عنوان حج نذری و غیره یاد می شود.

3- عروة الوثقی فصل 1 از کتاب الحج مسأله ی 1- وسائل ج 8 ص 16-21- عیون اخبار رضا علیه السلام ج 2 ص 125

است مخصوص که در «مکه» انجام می گیرد.

بیشتر مراسم عمره با حج مشترک است، ولی حج با عمره در اصل برنامه ها و زمان برگزاری و جهات دیگر چند فرق اساسی دارد:

الف - حج مشتمل بر چند عمل اختصاصی است که در عمره وجود ندارد (مثل وقوف در عرفات و مشعر)

ب- حج الزاماً باید در محدوده ی زمانی خاص (نهم تا سیزدهم ذی حجه) انجام گیرد، ولی در عمره، محدودیت زمانی به این شکل وجود ندارد.

ج- با توجه به تسهیلات موجود در زمینه ی سیر و سفر و با انتخاب نزدیک ترین «میقات» مراسم عمره را می توان در ظرف یک روز یا کمتر از آن انجام داد لیکن برنامه ها و مراسم حج دقیقاً باید در همان محدوده ی زمانی یاد شده انجام شود.

د- گذشته از وجوه اختلاف دیگری که حج و عمره با هم دارند و این که پاداش حج بیشتر از پاداش عمره است، تفاوت عمده ی دیگر حج با عمره اینست که حج بیشتر به عنوان کلاسی آموزنده و اجتماعی مطرح است ولی در عمره بیشتر تربیت فردی منظور می باشد.

اقسام حج

حج بر سه قسم است:

1- حج قرآن. (1)

ص: 14

1- توصیف حج به قرآن به خاطر تقارن سوق هدی و قربانی با احرام است که در حج افراد این تقارن نیست و توصیف حج به افراد به جهت آنست که این حج از عمره از عمره جداست و به آن ارتباطی ندارد (منهاج الاحرام ص 199)

این دو قسم از حج، وظیفه‌ی شهروندان مکه معظمه و کسانی است که فاصله‌ی خانه‌ی آنان تا مکه کمتر از چهل و هشت میل (1) (16) فرسخ شرعی که هر فرسخ حدود 5/5 کیلو متر است) باشد، و آنان در انتخاب یکی از این دو قسم آزادند.

3- حَجِّ تَمَتُّع: وظیفه‌ی کسی است که خانواده و وطنش در مکه و حدود آن نباشد. (2) بنا بر این کسانی که محل سکونت و زندگی آنان تا مکه 88 کیلو متر که 16 فرسخ است باشد، حج واجب آنان الزاماً همین قسم از حج است. (3)

(تبصره) شخص چه اهل مکه باشد یا نباشد، در مورد «حج مستحب» در انتخاب و گزینش هر قسم از اقسام سه گانه‌ی گانه‌ی حج مختار است، ولی به هر حال حج تمتع، افضل و برتر از افراد و قران می باشد. (4)

با توجه به مطالب یاد شده پی می بریم که نوع حجی نوع حجی که بر بیشتر مسلمانان واجب است حج تمتع می باشد، و وظیفه‌ی ما ایرانیان نیز همین قسم از حج است.

ص: 15

1- هر میل چهار هزار ذراع است و فرسخ شرعی سه میل است

2- (ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) (سوره‌ی بقره آیه‌ی 196)

3- بحار الانوار ج 99 ص 86

4- جواهر الکلام ج 18 ص 10 - عروة الوثقی کتاب الحج فصل فی اقسام الحج.

اقسام عمره

1- عمره ی تمتّع که باید پیش از حج تمتّع انجام گیرد، و زمان برگزاری آن از اوّل شَوّال تا نهم ذی حجه است (1) و بنا بر این، نمی توان عمره تمتّع را در ماه های دیگر از سال انجام داد.

عمره ی تمتّع در سال بیش از یک بار جایز نیست. نکته ی دیگر عمره ی تمتّع و حج تمتّع باید در یک سال انجام گیرد، یعنی شخص در همان سال که عمره ی تمتّع را به جا می آورد، باید حج تمتّع را هم انجام دهد و حق ندارد حج آن را به سال بعد موکول نماید.

2- عمره ی مُفَرَّدَه (2): این عمره، شرایط و قیود و محدودیت عمره ی تمتّع را- که ذکر شد - ندارد.

چون عمره مفرده دارای عنوانی خاص است، از این رو شخص می تواند فقط به منظور برگزاری عمره مفرده به زیارت خانه ی خدا برود، در حالی که اگر کسی به منظور عمره ی تمتّع به مکه سفر کند باید در زمان خاص آن که از اوّل شَوّال تا نهم ذی حجه است آن را به جا آورد و نیز در همان سال حج آن را هم انجام دهد.

آشنایی اجمالی با برنامه های حج و عمره

با دانستیم که حج واجب بر ایرانیان از نوع حج تمتّع است، حج تمتّع از دو بخش تشکیل می شود

ص: 16

1- یعنی در طی دو ماه شَوّال ذی قعدة و چند روز از ذی حجه

2- وجه تسمیه ی آن به «مفرده» به جهت جدا بودن و استقلال آن از حج است.

1- عمره ی تمتع .

2- اصل حج تمتع .

به مجموع این عمل هم «حج تمتع» گفته می شود.

عمره ی تمتع از پنج جزء تشکیل یافته به این شرح و ترتیب:

1- احرام در یکی از «میقات های پنج گانه» که شرحش خواهد آمد.

2- هفت مرتبه طواف کردن به دور خانه ی خدا (کعبه).

3- انجام دو رکعت نماز طواف پشت «مقام ابراهیم» علیه السلام.

4- هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه .

5- تقصیر (گرفتن مقداری از ناخن یا گرفتن مقداری از موی سر یا صورت).

برنامه ی حج تمتع

حج تمتع از سیزده جزء تشکیل می شود باین شرح و ترتیب:

1- احرام (به عنوان حج تمتع) در خود مکه معظمه (نه در میقات).

2- وقوف در «عرفات».

3- وقوف در «مشعر الحرام».

4- انداختن سنگ ریزه به «جمره ی عقبه» در «مینی».

5- قربانی در «مینی».

6- تراشیدن سر یا تقصیر کردن در «مینی»، و برای زن به جای حلق و سر تراشی تقصیر واجب است، و مردان در غیر حج

اول بین سر تراشی و تقصیر مخیرند.

7- طواف زیارت در «مکه»

8- دو رکعت نماز طواف.

9- سعی بین صفا و مروه .

10 - طواف نساء.

11- دو رکعت نماز طواف نساء.

12- ماندن در «منی» در شب یازدهم و شب دوازدهم ذی حجه برای همه، و شب سیزدهم (برای بعضی از افراد لازم است).

13- انداختن سنگ ریزه به «جمرات» در روز یازدهم و دوازدهم ذی حجه.

(تبصره): اشخاصی که شب سیزدهم در منی مانده اند باید روز سیزدهم نیز به رمی جمرات پردازند. (1)

برنامه ی حج افراد و قران

همانند برنامه ی حج تمتع است ولی با این تفاوت که «قربانی» در حج تمتع واجب ولی در حج افراد مستحب می باشد. (2) بنا بر این، حج افراد دارای دوازده جزء واجب است (یعنی اجزاء سیزده گانه حج تمتع منهای قربانی).

برنامه ی حج قران همانند مراسم حج افراد است، با این تفاوت که در حج قران، حج گزار از میقات و آغاز احرام می تواند

ص: 18

1- تحریر الوسیله ج 1 ص 405

2- تحریر الوسیله ج 1 ص 391 مسأله ی 8

به جای تلبیته یعنی لبیک گفتن قربانی همراه خود ببرد (1) تفصیل بیشتر خصوصیات اقسام سه گانه ی حج در کتاب های مناسک و فقه ذکر شده است.

برنامه ی عمره مفرده

عمره مفرده از هفت جزء تشکیل می شود

1- احرام از میقات (2).

(تبصره): اگر کسی بخواهد از مکه ی معظّمه، عمره ی مفرده به جا آورد باید به خارج از «حرم» برود، و در «أَذْنَى الْجِلِّ» یعنی جایی که به مکه از مواضع دیگر حل نزدیک تر است محرم شود، و بهتر است در یکی از سه نقطه ی «جعرانه»، «تنعیم»، «حُدَیْبِیَّه» (3) محرم شود، آن گاه به مکه باز گردد و به ادامه و انجام عمره ی مفرده پردازد.

2- طواف کعبه (هفت دور).

3- دو رکعت نماز طواف (پشت مقام ابراهیم) علیه السّلام.

4- سعی بین صفا و مروه (هفت بار).

5- تقصیر.

6- طواف نساء .

ص: 19

1- شرح لمعه ج 1 کتاب حج الحق

2- میقات عمره مفرده أَذْنَى الْجِلِّ است، گر چه جایز است از یکی از مواقیع حج برای عمره مفرده احرام بسته شود (تحریر الوسیله ج 1 ص 391 مسأله ی 9)

3- «جعرانه» به کسر جیم در 13 میلی مسجد الحرام، و «تنعیم» در 6 میلی مسجد الحرام واقع شده است، «حُدَیْبِیَّه» محلی است که گفته می شود نصف آن در حرم و نصف آن در حل است (منهاج الاحرام ص 205)

با توجه به مطالب یاد شده، به این نتیجه می‌رسیم که عمره ی مفرده با عمره تمتع، چند تفاوت اساسی و بنیادی دارد:

اول- «احرام عمره ی تمتع» الزاماً باید از میقات های معروف (1) انجام گیرد.

دوم- در عمره تمتع طواف نساء و دو رکعت نماز طواف آن واجب نیست انجام آن موافق با احتیاط است، ولی در عمره مفرده واجب است.

سوم- در عمره ی تمتع تقصیر متعین و در عمره مفرده مخیر بین حلق یعنی سر تراشیدن و تقصیر است.

هر عمره که بدون حج باشد «عمره ی مبتوله» نامیده می‌شود مانند عمره ی افراد و قران. (2)

ماه های حرام

(إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ... مِنْهَا اِثْنَتَا عَشْرَةٌ حُرْمٌ...) : بی گمان شماره ی ماه ها نزد خدا دوازده ماه است در کتاب خدا... از آن ها چهار (ماه) حرام است. (3)

ص: 20

1- «مسجد شجره» میقات اهل مدینه و کسانی که از این طریق عبور می‌کنند- «عقیق» میقات اهل نجد و عراق و کسانی که از این راه عبور می‌کنند- «جُحْفَه» میقات اهل شام و مصر و مغرب و کسانی که از این راه عبور می‌کنند- «يَلْمَلَم» میقات یمن و کسانی که از آن راه عبور می‌کنند- «قَرْنُ الْمَنَازِل» میقات اهل طائف و کسانی که از این راه عبور می‌کنند

2- کتاب حج البیت ص 155

3- سوره ی توبه آیه ی 36

منظور از این دوازده ماه، ماه های قمری است که مبنائی ثابت و حسابی مشخص دارد (1) نه ماه های قرار دادی و اصطلاحی (مانند ماه های خورشیدی رومی میلادی و ...)

اعراب از شریعت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام اقتباس کرده بودند و جنگ و خون ریزی را در چهار ماه از سال (رجب، ذیقعد، ذی حجه و محرم) ممنوع کرده بودند، و حتی وقتی که جنگی در این ایام روی این ایام روی داد آن را به نام «حرب الفجار» (2) نامیدند، ولی از آن جا که ماه های قمری سالی ده روز از ماه های شمسی کمتر است و در نتیجه رفته رفته با فصول سال تغییر می یابد و آنان می خواستند که ماه های حرام با فصول سال شمسی تطبیق داشته باشد، در محاسبه ماه های حرام تغییراتی می دادند و آن ها را جا به جا می کردند (3)، که قرآن از آن به عنوان «نسیی» یاد کرده و آنان را بر این کار نکوهش نموده است. (4)

حرمت ماه های حرام یکی از برنامه ها و احکام شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام بود (5) و اعراب جاهلی (در رابطه با شئون اقتصادی و مراسم مذهبی خویش) از آن پیروی کردند. اسلام بر حرمت و فضیلت این چهار ماه افزود و برای تأمین عمومی چهار ماه یاد شده را در فصول گوناگون و در تمام نقاط

ص: 21

1- المیزان ج 9 ص 279

2- جنگ نا مشروع

3- الاثار الباقیه ابوریحان بیرونی ترجمه ی دانا سرشت ص 93

4- آیه ی 36-37 سوره ی توبه مجمع البیان ج 5 ص 29 یعنی: (تَأْخِيرُ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ عَمَّا رَتَّبَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِ)

5- المیزان ج 9 صفحه ی 281 - مجمع البیان ج 5 ص 29 طبع اسلامیه

روی زمین حرم و غیر قابل تجاوز معرفی کرد، و همگان را به «آتش بس» فرمان داد باشد که خون‌ها از جوش بیفتند و فتنه‌ها کاهش یابد و انسان‌ها بر سر عقل آیند.

ماه‌های حج

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ...): وقت حج ماه‌های معینی است. (1)

با توجه به آیه‌ی شریفه و روایاتی که از پیش‌وایان اسلام نقل شده (2) زمان حج (تمتع قرآن افراد) در چند ماه معین است (شوال، ذی‌قعدة، ذی‌حجه)، و جز در این سه ماه نمی‌توان حج به جا آورد.

توضیح آن‌که: هنگام انجام عمره‌ی تمتع از اول ماه شوال تا نهم ذی‌حجه است، و حج آن از نهم ذی‌حجه شروع می‌شود، و همان‌طور که پیشتر یاد آوری کردیم، عمره‌ی تمتع و حج تمتع باید در یک سال انجام شود (آن‌هم در طی شوال، ذی‌قعدة، و ذی‌حجه) و تأخیر حج آن تا سال بعد جایز نیست اگر چه تمام سال را در حال احرام به سر برد.

بنا بر این، دانسته شد که (ذی‌قعدة و ذی‌حجه) ضمن آن‌که از ماه‌های حرامند از ماه‌های حج هم می‌باشند در حالی که شوال از

ص: 22

1- سوره‌ی بقره آیه‌ی 194

2- حضرت باقر علیه‌السلام در ذیل همین آیه می‌فرماید: مراد از ماه‌های حج ذی‌قعدة و ذی‌حجه است و هیچ‌کس اجازه ندارد در غیر این سه ماه به منظور حج «محرم» شود. (بحار الانوار ج 99 ص 133)

ماه های حرام نیست، ولی از ماه های حج شمرده می شود، و نیز دانستیم که (محرم و رجب) گر چه از ماه های حرام هستند ولی از ماه های حج شمرده نمی شوند.

اگر پرسیده شود با آن که اصل عمل حج (اعم از تمتع، افراد و قران) از نهم تا سیزدهم ذی حجه بیشتر به درازا نمی کشد چرا این سه ماه (شوال، ذی قعدة، ذی حجه) به عنوان ماه های حج نامیده می شوند؟ پاسخ آن با توجه به مطالب گذشته روشن می شود زیرا در حج تمتع الزاماً ظرف عمره ی آن از اول شوال تا نهم ذی حجه (یعنی در محدوده ی دو ماه و چند روز) (1) می باشد، و از این پس ظرف احرام خود حج و مراسم آن است. و در مورد حج افراد و قران (که عمره ی آن ها پس از برگزاری اصل حج قرار دارد) دانسته شد که ظرف احرام آن ها از اول شوال تا نهم ذی حجه است و روز نهم تا سیزدهم ظرف عمل خود حج می باشد. یعنی شخص مختار است که از اول شوال تا نهم ذی حجه هر روزی که خواست به عنوان حج «افراد» یا «قران» محرم شود. با توجه به مطالب یاد شده است که این سه ماه «ماه های حج» خوانده می شوند.

و اما این که زمان حج تا سیزدهم ذی حجه بیشتر طول نمی کشد (نه تا آخر آن) (2) این جهت با محسوب شدن ذی حجه به عنوان یکی از ماه های حج منافات ندارد، زیرا بر خلاف متعارف

ص: 23

1- یعنی شخص موظف است که زمان احرام برای عمره ی تمتع و انجام مراسم آن را از میان این محدوده ی زمانی (دو ماه و چند روز) انتخاب کند.

2- به جز برخی از اعمال که تا آخر ذی حجه جایز است آورده شود. (عروة الوثقی کتاب الحج فصل 9).

نیست، و به منزله ی آنست که بگوییم: هنگام آمدن من نزد شما روز جمعه است و می دانیم که «آمدن» در قسمتی از روز جمعه انجام می گیرد نه در تمام آن. (1)

جزیره العرب

جزیره العرب که بزرگ ترین شبه جزیره ی جهان است در جنوب غربی قاره ی آسیا قرار دارد و مساحت آن را حدود سه میلیون کیلو متر مربع می دانند. بزرگ ترین قسمت «جزیره العرب» اکنون کشور عربستان سعودی است که دو میلیون و دویست و پنجاه هزار کیلو متر مربع مساحت و طبق آمار (1976 م) هشت میلیون و نیم جمعیت دارد که تا این زمان (1401 ه - 1980 م) چند صد هزار نفر بر رقم مزبور افزوده شده است.

این کشور در دور ترین قسمت جنوب غربی آسیا قرار دارد و از شمال محدود است به «اردن» و «عراق» و «کویت» و از جنوب به «یمن شمالی و یمن جنوبی» و از مشرق به «خلیج فارس» و «امارات عربی متحده» و از مغرب به «دریای سرخ».

بندر جدّه از بنادر بزرگ عربستان سعودی است که کنار دریای سرخ قرار دارد و چون دریای سرخ به وسیله ی «باب المندب» به اقیانوس هند و به وسیله ی «کانال سوئز» به دریای مدیترانه مربوط می گردد، بنا بر این، کشور مزبور در کنار یکی از راه های عمده ی دریائی جهان واقع شده و از راه دریا با جمیع نقاط جهان مربوط است .

ص: 24

این کشور از چهار بخش تشکیل یافته است:

1 - نجد (یا منطقه ی میانه)

2 - حجاز (یا منطقه ی غربی)

3- منطقه ی عسیر

4- احساء (یا منطقه ی شرقی)

پایتخت این کشور شهر ریاض است که در شمال شرقی مکه واقع شده و جزو ناحیه ی «نجد» به شمار می رود، و فاصله ی آن تا جده نه صد و پنجاه کیلو متر است.

با آن که ریاض پایتخت رسمی کشور است ولی عملاً دو مرکز مهم دیگر در این کشور وجود دارد؛ یکی بندر جدّه که به علّت استقرار سفارت خانه ها و کنسول گری ها در آن، از مراکز سیاسی کشور محسوب می شود و دیگری «مکه ی معظمه» که مرکز واقعی جهان اسلام است، و دریغا که این حرم شریف (همانند مدینه ی منوره که حرم شریف دیگری است) در اسارت استبداد داخلی و استعمار خارجی می باشد.

میقات ها

«میقات» محلی است که توسط شارع مقدّس اسلام به عنوان «احرام گاه» مشخص و معین شده است. بنا بر این محل احرام، میقات نام دارد که به اختلاف راه هایی که زائر خانه ی خدا از آن ها عبور می کند مختلف است .

پیامبر بزرگ اسلام «صلی الله علیه و آله» پنج میقات برای احرام معین فرموده اند، این میقات ها در پنج نقطه در اطراف مکه

قرار گرفته اند، ولی از نظر نزدیکی و دوری به «مکه» با یک دیگر اختلاف دارند.

میقات های پنج گانه عبارتند از:

1- مسجد «شَجْرَه» که در شمال مکه در فاصله ی 486 کیلو متری قرار دارد. این میقات که آن را «ذُوَالْحُلَيْفَه» نیز می نامند در دوازده کیلو متری مدینه و بر سر راه مدینه به مکه واقع شده و میقات اهل مدینه و همه ی کسانی است که از این راه به مکه می روند.

2- «جُحْفَه» (1) در شمال غربی مکه در فاصله ی 156 کیلو متری قرار دارد و میقات اهل مصر و شام و مغرب و کسانی است که از این ناحیه به مکه می روند و قبلاً محرم نشده اند.

3- «وادی عقیق» که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غَمْرَه» و اواخر آن را «ذات عرق» می نامند. «وادی عقیق» در شمال شرقی مکه در فاصله ی 94 کیلو متری واقع و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند. احرام در همه جای این وادی جایز است ولی بهتر است از «مسلخ» و بعد از آن از «غمره» محرم شود، و اگر تقیه اقتضاء می کند که از «ذات عرق» محرم شود احتیاط آنست که در جای دیگر محرم نشود. (2)

4- «قَرْنُ الْمَنَازِل» که در جانب شرقی مکه در فاصله ی 94 کیلو متری واقع و میقات کسانی است که از راه طائف عازم مکه

ص: 26

1- بر وزن «تحفه»

2- تحریر الوسیله ج 1 ص 392 مسأله ی 2

5- «يَلْمَلَم» که در جنوب شرقی مکه در فاصله ی 84 کیلو متری واقع شده و میقات اهل یمن و کسانی است که از آن راه عبور کنند.

البته برای احرام حج تمتع خود مکه تعیین شده است که از آن جا باید احرام حج تمتع انجام بگیرد.

هر کس از هر یک از میقات های پنج گانه ی یاد شده عبور کند باید از همان میقات مُحرم شود و کسی که از هیچ کدام از آن ها عبور نکند، جایز است از محاذی و برابر یکی از آن ها محرم شود و اگر در راه به محاذی دو میقات می رسد احتیاط آنست که محاذی میقاتی محرم شود که از مکه دور تر است.

اعمال عمره ی حج تمتع و اعمال حج افراد و قرآن از میقات آغاز می شود، و پیش از ورود به مکه واجب است که شخص در یکی از این میقات های پنج گانه محرم شود، و عبور از میقات بدون احرام حتی برای کسی که قصد حج و عمره ندارد ولی می خواهد داخل مکه شود حرام است (1) و احرام قبل از میقات یا بعد از میقات نیز باطل و حرام می باشد.

(تبصره) در موردی که شخص نذر کرده باشد از محل خودش یا جای معین دیگر (غیر از میقات ها) محرم شود لازم است از همان جایی که نذر کرده پیش از رسیدن به میقات محرم شود. (2)

ص: 27

1- تحریر الوسیله ج 1 ص 412 مساله ی 3 از احکام مواقیت

2- تحریر الوسیله ج 1 ص 394 - جواهر الکلام ج 18 ص 122 (تفصیل بیشتر مواقیت را در مناسک و کتاب های فقهی بخوانید.)

(أَوْلَمَ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا): آیا نمی بینند که ما حرمی امن (و مصون از قتل و غارت و سایر تعدیات) قرار دادیم؟ (1)

اطراف مکه معظمه دایره یی کوچک تر از دایره ی میقات ها ترسیم می شود که دایره ی حرم نام دارد، حرم از هر سوی مکه آن حد و مرزی است که خداوند متعال از آن حد تا کعبه را محل امن برای انسان ها حیوانات و نباتات قرار داده و برای آن احکام ویژه یی است.

همان طور که میقات ها به حسب مسافت با یک دیگر تفاوت دارند، حدود حرم نیز در تمام جهات یکسان نیست و دوری و نزدیکی آن حدود متفاوت است. حدّ حرم از جانب شمال «مسجد تنعیم» است که در راه مدینه قرار گرفته و تقریباً شش کیلو متر تا مسجد الحرام فاصله دارد. از جانب جنوب حدّ محلی است به نام «إِضَاءَةُ لَيْلِن» که در سر راه یمن در فاصله ی دوازده کیلو متری قرار دارد. از جانب شرق حد حرم «جغرانه» است که بر سر راه طائف در فاصله ی سی کیلو متری مکه واقع شده است. از جانب غرب، اندکی به جانب شمال حرم، قریه یی است به نام «حُدَيْبِيَّة» که بر کنار راه جده در فاصله ی چهل و هشت کیلو متری از مکه واقع است.

در آخرین حد این فواصل ستون هایی به شکل مکعب مستطیل و به ارتفاع سه متر ساخته شده که نشانه ی حدود حرم است و

ص: 28

سرزمین های داخل این حدود همه جزو حَرَم محسوب می شود، و شهر مقدس مکه و خانه ی خدا «کعبه» در داخل آن قرار گرفته است. حَرَم پناه گاه الهی و سرزمین امن عمومی است، و احکام خاصی دارد که مشترک میان مُحرم و غیر محرم می باشد و از آن جمله است: الف- شکار کردن در محدوده ی حرم ممنوع است ب- بریدن و کندن و شکستن درخت و شاخه ی آن و بوته گیاهی که در حرم روئیده باشد جایز نیست.

برای آشنایی با سایر احکام حرم به کتاب های مفصل که در این زمینه نوشته شده مراجعه شود.

مکه

مکه مهم ترین شهر عربستان و جزو استان حجاز است. پیش از پیدایش و ظهور اسلام مرکز اجتماع و داد و ستد تیره های گوناگون عرب بود، و بت خانه ی بزرگ آنان در این شهر قرار داشت. مکه در غرب عربستان و در میان دره یی که سلسله کوه هایی از مشرق و مغرب آن را احاطه کرده واقع شده و از شمال به «مدینه» و از مشرق به «نجد» و از جنوب به «عسیر» و «یمن» و از مغرب به «جده» محدود است. مشهور ترین نام این شهر «مکه» است و نام های دیگری از قبیل «بکه» و «البلد الامین» نیز برای آن ذکر کرده اند. (1)

مکه در 40 درجه و 9 دقیقه طول شرقی و 21 درجه و 38

ص: 29

1- آیه ی 24 سوره ی فتح، آیه ی 96 سوره ی آل عمران آیه ی 3 سوره ی والتین

دقیقه‌ی عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته و سی صد و سی متر از سطح دریا ارتفاع دارد، و به علت وجود کوه‌های سنگی و کم‌گیاه هوای آن بسیار گرم و سوزان است، و باران کمتر در آن جا می‌بارد و به هنگام باران شدید از کوه‌های اطراف آن سیل جاری شده و داخل شهر می‌شود.

گرم‌ترین وقت سال در مکه اواخر خرداد ماه است که نیم‌روز آفتاب عمود بر سطح شهر می‌تابد.

خانه‌ی خدا «کعبه» در میان شهر مکه و در وسط مسجد الحرام قرار دارد؛ حدود چهار هزار سال پیش ابراهیم خلیل الله علیه السلام به کمک فرزندش اسماعیل علیه السلام خانه‌ی کعبه را به فرمان پروردگار در مکان فعلی آن بنیاد نهاد، (1) در آن هنگام کسی در این مکان سکونت نداشت چون دره‌ی خشک و سوزان و بی‌آب و گیاه بود، به برکت دعای ابراهیم علیه السلام (2) این بنیاد مبارک گردید و دل‌ها به سوی آن مشتاق شد.

همه‌ی شهروندان مکه مسلمانند و غیر مسلمان در نمی‌تواند ظاهر شود و اصولاً ورود غیر مسلمان به این شهر ممنوع اکنون شهر آبادی است با ساختمان‌های رفیع

ص: 30

1- فروع کافی ج 4 ص 203

2- (رَبِّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ دُرِّيِّ بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ) (سوره‌ی ابراهیم آیه‌ی 37) - ابراهیم علیه السلام نخست هاجر و اسماعیل (علیهما السلام) را در اطراف زمین کعبه اسکان داد و در این هنگام اسماعیل کودک بود و هنگامی که وی به حد رشد رسید ابراهیم علیه السلام به کمک او کعبه را بنیاد نهاد. (بحار ج 99 ص 38)

و خیابان های اسفالتی و کوی های فراوان و لوله کشی آب و برق و خانه های جدید و چند طبقه که دامنه ی کوه را پوشانده اند.

مسجد الحرام

مسجد الحرام مسجد مقدس و شکوهمندی است در وسط شهر مکه و تقریباً به شکل مربع مستطیل و سطح آن نسبت به کف خیابان های اطراف در جهات مختلف، یک متر و نیم تا سه متر پایین تر است.

مساحت کلیه ی مسجد الحرام از سی و پنج هزار متر مربع به صد و شصت هزار و یک صد و شصت و هشت متر مربع افزایش یافته است، و اکنون گنجایش سی صد هزار نفر جمعیت را در زمان واحد دارد. (1)

خانه ی خدا «کعبه» با جلالی خاص در وسط «مسجد الحرام» قرار دارد، گذشته از کعبه، مواضع ذیل نیز در داخل مسجد الحرام می باشد: «مقام ابراهیم»، «حطیم»، «حجر اسماعیل»، «چاه زمزم».

مسجد الحرام بیست و چهار در دارد که از جمله ی آن هاست:

1- باب السلام (که به نام باب بنی شیبه هم خوانده می شود) این در به طرف «صفا» باز می گردد.

2- باب النبی «صلی الله علیه و آله».

3- باب علی «علیه السلام» که به نام «باب بنی هاشم»

ص: 31

1- احکام حج و اسرار آن ص 81

نیز خوانده می شود.

4- باب ام هانی.

کعبه

(أَنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ): همانا نخستین خانه یی که برای مردم بنیاد شد خانه یی است که در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه ی هدایت جهانیان است» (1)

برخی مراد از «بگه» را همان «مکه» و برخی آن را «محدوده ی حرم» و جمعی آن را «مسجد الحرام» و برخی عرصه و زمین خانه ی کعبه می دانند (2) و این قول اخیر از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. (3)

شکل کعبه تقریباً «مربع» است و با سنگ های کبود بسیار محکمی درست شده، و اکنون ارتفاع آن شانزده متر است ولی در زمان رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» از اندازه ی فعلی بسیار کوتاه تر بوده به طوری که آن حضرت روز فتح علیه السلام دستور داد بر شانه ی مبارکش بالا رود و بت هایی را که بر بام کعبه نهاده بودند بر دارد و بشکند. (4)

طول ضلعی که ناودان در آن قرار دارد و هم چنین ضلع

ص: 32

1- سوره ی آل عمران آیه ی 96

2- تفسیر المیزان ج 3 ص 386 چاپ آخوندی

3- تفسیر المیزان ج 3 ص 392

4- تفسیر المیزان ج 3 ص 396

مقابل آن ده متر و ده سانتی متر و طول دو ضلع دیگر که در یکی از آن ها درب خانه واقع شده دوازده متر است. درب خانه ی کعبه در ارتفاع دو متر از کف زمین قرار دارد و در رکنی که طرف چپ (1) درب خانه است «حجر الاسود» در ارتفاع یک متر و نیمی نصب شده است. (2)

کعبه از بیست و هفت قرن پیش از اسلام نزد اعراب، ارجمند بوده و تمام قبائل عرب آن را عزیز و محترم می داشتند، و از هر سو برای حج به آن جا روی می آوردند. کعبه نزد ایرانیان باستان، هندو ها، صابی ها (ستاره پرستان) نیز مورد احترام بود. (3) کعبه کانون کرامت و شرف و فضیلت و در حقیقت قلب حقیقی آیین اسلام است این پایگاه مقدس و دیر پا زیارت گاه میلیارد ها انسان در طول قرون بوده و هست.

با بررسی روایات به این نتیجه می رسیم که پایه ها و اساس این خانه پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام توسط برخی از پیامبران پیشین بنا نهاده شده و نمی توان جزماً گفت نخستین بنا کننده ی کعبه، ابراهیم علیه السلام بوده است ولی مسلماً نخستین بنیاد اساسی و شناخته شده ی آن توسط آن حضرت و به مساعدت فرزندش اسماعیل علیه السلام انجام یافته است و از آن است پس بود که برنامه ی زیارت کعبه مقرر گردید و رسمیت و شهرت

ص: 33

1- طرف چپ برای کسی که می خواهد از طرف مقام ابراهیم وارد خانه شود.

2- تفسیر المیزان ج 3 ص 396 چاپ آخوندی

3- احکام حج و اسرار آن ص 120 (آیین صابی در اصل ریشه ی توحیدی داشته است.)

در اهمیت کعبه همین بس که امام ششم علیه السلام می فرماید: «تا آن گاه که بنیاد کعبه (و برنامه ی زیارت آن) دائر و بر پاست. دین اسلام استوار و پا برجاست» (1)

و در رابطه با همین حقیقت و واقعیت است که دشمنان اسلام و و استعمارگران غرب و شرق همواره به اهمیت این «پایگاه مقدس و سنگر بزرگ» واقف بودند و می خواستند این مرکز توحید و زاد گاه اسلام را نابود کنند و از برگزاری مراسم آن جلوگیری نمایند.

«گلا دستون» که در سال های : (1809-1898 م) (2) می زیست، و در عصر «ملکه ویکتور» یا لیدر حزب آزادی خواه «ویگ» بود، چهار بار به مقام نخست وزیری بریتانیای کبیر آن روز (و روباه سیاسی در مانده و پیر امروز) رسید. (3) وی یک صد سال پیش در مقام نخست وزیری، در حالی که کلوچه ی نان لندنی در یک دست و قرآن را در دستی دیگر داشت، وارد «پارلمان» شد و پشت تریبون قرار گرفت و نان را به نمایندگان نشان داده گفت:

آقایان ما ده نفریم و این نان را داریم در حالی که فقط دو

ص: 34

1- وسائل ج 8 ص 14 حدیث 5

2- «فرهنگ، عمید بخش اطلاعات عمومی» ص 703.

3- در این زمان فعالیت های انقلابی و ضد استعماری مصلح بزرگ شرق و فرزند راستین اسلام شاد روان سید جمال الدین اسد آبادی علیه استعمارگران و به ویژه سلطه ی استعماری انگلستان (که بزرگ ترین استعمارگر آن زمان بود) به نقطه ی اوج خود رسیده بود.

نفر می توانند با خوردنش سیر شوند اگر به دو نفر بدهیم هشت نفر بقیه خواهند مرد، و اگر بر سر آن دعوا کنیم هر ده نفر از میان خواهیم رفت از این رو می فهمیم که تنها راه نجات، بزرگ کردن نان است و بزرگ کردن نان مواد اولیه می خواهد که آن هم در مشرق زمین وجود دارد اما تا زمانی که آن خانه (منظورش کعبه بود) و این کتاب در میان مسلمانان است این عمل غیر ممکن می باشد...» (1)

آری، «کعبه» مرکز تشعشع تعالیم عالییه اسلامی است و کانون انفجار مبارزه و پیکار علیه همه ی مستکبران در رابطه با نفی همه ی طاغوت ها و استقرار حاکمیت «الله» در پهنه ی زمین و گسترده ی زمان. و این سمبل قداست و کانون خیر و برکت همواره به عنوان پناه گاهی محکم برای همه ی رزمندگان، در ماندگان و دور ماندگان و خیل مشتاقان و کلیه ی فریادگران حق طلب و باطل ستیز در عرصه ی گیتی دیر پا و استوار خواهد ماند؛ تا آن روز که مصلحی کبیر و جهانی و ذخیره ی نفیس و ربانی بیاید و او «مهدی موعود» علیه السلام است، از تبار قهرمان توحید و بنیان گزار کعبه «ابراهیم»، و از سلاله ی «خاتم پیامبران» و خود «خاتم امامان» است. و آن گاه که آن «عزیز» رخ بنماید و به خطاب «قم» قیام فرماید، به دیوار همین کعبه ی مقدس تکیه می دهد و آغاز انقلابی ترین انقلابات و شکوهمند ترین و گسترده ترین آن ها را به جهان انسان ها، اعلام می کند. و این حقیقتی است شگرف و در خور تعمق که «ابراهیم

ص: 35

خلیل الله» از همین جا اعلام کرد، و «محمد رسول الله» ازین جا اقدام کرد و «مهدی بقیه الله» نیز از همین جا قیام می کند؛ و آهنگ جان فزایش در فضا طنین خواهد افکند که (اَنَا الصَّمُصَامُ الْمُنتَقِمُ)؛ که اوست «شمشیر انتقام حق»، و اوست دادگستر راستین جهان و اوست تجسم عدالت اجتماعی، و اوست تبلور فضل و فضیلت و کرامت انسان ها، و اوست مظهر قهر قادر متعال، و اوست نابود گر بیداد گران بد سگال، و اوست فریاد گر بزرگ آزادی، و مجری قسط اسلامی، و بر پا دارنده ی احکام و تعلیمات عالیه ی الهی.

و همگان به این امیدیم که انقلاب اسلامی ایران که در 22 بهمن 1357 به رهبری امام خمینی آغاز گردید به ثمر رسیده و استمرار یابد و به عصر دولت آن امام عزیز متصل گردد.

ارکان کعبه

1- رکن جنوب شرقی: که حجر الاسود بر آن نصب شده و رکن حجر نیز نامیده می شود. (1)

2- رکن شمال شرقی: وقتی از درب کعبه بگذریم و به سوی شمال شرقی متوجه شویم پیش از رسیدن به «حجر اسماعیل» به رکن شامی که همان رکن شمال شرقی است می رسیم که به آن رکن عراقی نیز می گویند. (2)

3- رکن شمال غربی: پس از گذشتن از «حجر اسماعیل»

ص: 36

1- به مرآت الحرمین ج 1 ص 264 مراجعه شود.

2- تفسیر المیزان ج 3 ص 396

به رکن شمال غربی می‌رسیم که در برابر غرب روسیه و همه‌ی اروپا (و بلادی مانند مصر و مغرب) قرار گرفته است.

4- رکن جنوب غربی: به حسب وضع ساختمانی پیش از رکن حجر الاسود قرار گرفته و به «رکن یمانی» معروف است.

حجر الاسود

حجر الاسود سنگ سنگینی است که شکل بیضی غیر منظمی دارد، رنگش سیاه مایل به سرخی و روی آن نقطه‌های سرخی واقع شده و دارای خط‌های زرد رنگی می‌باشد، و قطر آن قریب 30 سانتی متر است. (1)

این سنگ در رکن شرقی کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام نصب شده تا نقطه‌ی آغاز طواف قرار گیرد، و گردش به دور خانه‌ی کعبه به طور منظم انجام پذیرد. حجر الاسود در ارتفاع یک متر و نیمی از سطح زمین قرار گرفته و استلام (2) و دست‌گزاردن بر آن و بوسیدن آن و خواندن دعا به هنگام لمس آن مستحب است.

جامه‌ی کعبه

می‌گویند نخستین کسی که کسوه: (جامه) بر کعبه پوشانید

ص: 37

1- المیزان ج 3 ص 396 چاپ آخوندی

2- (استَلَمَ الْحَجْرُ لَمَسَهُ إِمَّا بِالْقِبْلَةِ أَوْ بِالْيَدِ وَقِيلَ مَسَّحَهُ بِالْكَفِّ مِنَ السَّلَامَةِ وَهِيَ الْحُجْرُ) (اقرب الموارد): استلام حجر کرد یعنی آن را بوسید یا با دست لمس کرد و نیز گفته شده که یعنی با کف دست بر آن دست کشید و استلام از ماده‌ی «سلمه» است که به معنای سنگ می‌باشد.

(تُبَعُ أَسْعَدُ) پادشاه حمیر (1) بود که با جامه هایی که به نخ های تقریه یی مَزین شده بود آن را پوشانید (2) و بعد از او جانشینانش نیز همین کار را انجام می دادند... رسول اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» و سَلَّم نیز آن را با جامه های یمانی پوشانید، وقتی مهدی عباسی به خلافت رسید به مکه مشرف شد و به درخواست خادمان کعبه دستور داد به جای پیراهن های متراکم و روی هم انباشته، جامه یی واحد بر کعبه بیاویزند، و هر سال یک بار آن را عوض کنند این عمل هم چنان ادامه پیدا کرد و تا کنون به همان وضع سالی یک بار (در روز عید قربان) عوض می شود. (3)

مقام ابراهیم علیه السلام

(فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ...): در خانه ی خدا نشانه هایی روشن است که مقام ابراهیم از آن هاست. (4)

میان مشرق و شمال خانه ی کعبه حجره ی کوچک و چهار گوشه است (با ضریح و گنبد کوچک) که فاصله ی آن تا دیوار کعبه حدود 13 متر است، در داخل این حجره سنگی قرار دارد که بنا بر مشهور حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه روی آن ایستاد و یا بر روی آن نماز می خواند و عبادت می کرد، و به قدرت پروردگار نقش انگشتان و کف پای آن

ص: 38

1- حمیر به کسر حاء و سکون میم و فتح یاء هاماوران یمین

2- المیزان ج 3 ص 397 چاپ آخوندی - الدین و تاریخ الحرمین الشریفین ص 47

3- احکام حج و اسرار آن المیزان ج 3 ص 397 و 398 چاپ آخوندی

4- سوره ی آل عمران آیه ی 97

حضرت بر روی این سنگ باقی مانده است. (برای تسمیه ی آن به مقام ابراهیم وجوه دیگری نیز ذکر کرده اند) (1)

مُلْتَزِم

ملتزم: مابین حجر الاسود و درب کعبه قرار دارد و جای دعا و استغفار است. (2)

مُسْتَجَار

مکانی نزدیک رکن یمانی «مستجار» نامیده می شود و مقابل در کعبه قرار دارد و جایی است که گناه کاران به آن جا پناه می برند. (3)

حجر اسماعیل علیه السلام

حجر (در لغت به معنای پناه و دامن) مکانی است به شکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و سی سانت که در جانب شمالی کعبه قرار گرفته و به «حجر اسماعیل» معروف است و مدفن آن حضرت و مادرش هاجر و بسیاری از پیامبران می باشد. (4)

حطیم

حطیم بنا بر بعض روایات میان حجر الاسود و درب کعبه است

ص: 39

1- احکام حج و اسرار آن ص 82

2- قبل از حج بخوانید ص 91- برخی «ملتزم» و «مستجار» و «متعوذ» را یکی می دانند.

3- مجمع البحرین ص 238

4- احکام حج و اسرار آن ص 84

و چون در این مکان مردم می کوشند خود را به حجر الاسود برسانند طبعاً یک دیگر را در فشار قرار می دهند... (1) و به همین جهت «حطیم» نامیده شده است. (برای تسمیه ی آن وجه دیگری نیز ذکر کرده اند.)

ناودان طلا

این ناودان در ضلع شمالی خانه ی کعبه قرار دارد و به هنگام باران، آب از بام کعبه به وسیله ی ناودان مزبور بر عرصه ی حجر اسما عیل علیه السّلام می ریزد.

نخستین ناودان، پیش از بعثت به وسیله ی قریش نصب گردید، و پس از ظهور اسلام چندین مرتبه تعویض شد. ناودان طلای کنونی در سال 1276هـ- توسط سلطان عبدالمجید عثمانی (2) اهدا شده است. (3)

زمزم

چاه زمزم در جنوب مقام ابراهیم علیه السّلام قرار دارد و داستان آن در تاریخ و روایات مشروحاً ذکر شده است. (4) خلاصه ی آن داستان این که: ابراهیم علیه السلام از جانب خدا

ص: 40

1- مجمع البحرین ج 2 ص 487 و 478 طبع اسلامیة

2- منظور عبدالمجید اول سی و دومین سلطان عثمانی (1255 - 1277هـ-) است که با محمد شاه و ناصر الدین شاه قاجار معاصر بود.

3- الدین و تاریخ الحرمین الشریفین ص 62

4- به فروع کافی ج 4 ص 202 و کتاب الدین و تاریخ الحرمین ص 126 و قصص قرآن تألیف آقای بلاغی ص 64 مراجعه شود

فرمان یافت، هاجر و نوزادش اسماعیل علیهما السلام را از کنعان (که سرزمینی خرم و آباد بود) به جایی دیگر انتقال دهد، و ابراهیم علیه السلام آنان را در دامنه ی کوه های مکه در سرزمین کنونی مکه اسکان داد و در حق ایشان دعا کرد و آنان را به خدا سپرد. (1) هاجر نیز در برابر اراده ی الهی تسلیم شد؛ پس از مدتی آذوقه ی مختصری که همراهش بود به پایان رسید و او گرسنه و تشنه ماند و شیر در پستانش خشکید و نوزادش از شدت گرسنگی و تشنگی بی تاب شد، و به خود می پیچید و پای خود را به زمین می سایید.

هاجر در جستجوی آب بر آمد، ابتدا از کوه صفا بالا رفت و هر چه اطراف را نگاه کرد نشانی از آب و آبادی ندید، آن گاه از کوه مروه بالا رفت و آبی نیافت، و هفت بار مسافت میان این دو کوه را پیمود و سودی نداشت، ناگزیر نومید به نزد نوزادش بازگشت و بر خلاف انتظار مشاهده کرد که به لطف خداوند کریم چشمه ی آبی زلال در پایین پای فرزند دل بندش ظاهر شده و روان است.

هاجر بسیار شاد شد؛ مادر و فرزند از آن آب سیراب شدند. هاجر اطراف چشمه را با خاک و سنگ و ریگ بالا آورد تا آب ذخیره و جمع گردد و به همین جهت «زمزم» نامیده شد. (2)

اسلام این عمل هاجر یعنی هفت بار طی کردن راه میان این دو کوه را (به منظور بزرگداشت آن تلاش و کوشش و تجدید آن خاطره ی مقدس و نیز برای عبادت و بندگی و غیر آن) به عنوان

ص: 41

1- (رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي ...) سوره ی ابراهیم آیه ی 37

2- مجمع البیان ج 1 ص 208 چاپ اسلامیه المیزان ج 1 ص 292 چاپ آخوندی.

یکی از ارکان حج به نام «سعی میان صفا و مروه» سنت قرار داد. (1)

صفا و مروه

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...) همانا صفا و مروه از نشانه ها و از جایگاه های عبادت خداست. (2)

«صفا» و «مروه» دو کوه کوچک در مکه است که در برابر یک دیگر و جنب مسجد الحرام (و تقریباً در جهت شرقی کعبه) قرار دارند، و اکنون مختصری از آن دو کوه باقی مانده است. ارتفاع صفا در حدود 15 متر و ارتفاع مروه حدود 8 متر است. مسافت میان این دو کوه کوچک 420 متر است که اکنون به صورت یک خیابان سر پوشیده به ارتفاع 12 متر و عرض 20 متر درآمده و آن را «مشعی» می نامند و متصل به مسجد الحرام است. (3)

سعی میان صفا و مروه عبارت است از هفت بار تمام پیمودن مسافت صفا و مروه به طوری که چیزی از مسافت باقی نماند صفا و مروه دارای هشت درب ورودی و پنجره های متعدد و مجهز به تهویه ی مطبوع است و به وسیله ی نور افکن های قوی روشن می شود.

عَرَفَات

«عرفات» بیابان وسیع و همواری است که در شمال مکه در

ص: 42

1- تفسیر المیزان ج 1 ص 392

2- سوره ی بقره آیه ی 158

3- احکام حج و اسرار آن ص 229

مسافت 24 کیلو متری واقع شده و از حد «حرم» خارج است. «عرفات» جمع «عَرَفَه» و به معنای کوه و بلندی است و از ریشه ی «عرفان و معرفت» می باشد و چند وجه برای نام گذاری به «عرفات» ذکر شده است. (1) عرفات موقفی است که حاجیان باید از اوّل ظهر روز عرفه (نهم ذی حجه) تا غروب شرعی همان روز در آن توقف کنند.

مَشْعَرُ الْحَرَامِ

وادی طولی که میان «عرفات» و «منی» قرار دارد «مُزْدَلِفَه» و «مَشْعَر» نامیده می شود، و بنائی در آن وادی جز مسجد بزرگی که در این موقف قرار گرفته نیست (2) مشعر موقفی است که حاجیان باید شب عید قربان را در آن جا بروز آورند، و به این منظور پس از غروب روز عرفه باید با حال احرام از عرفات به سوی این موقف کوچ نمایند، تا از آغاز طلوع فجر تا طلوع آفتاب در آن جا به سر برند و وقوف در مشعر که از واجبات حج عبارت از همین توقف (از طلوع فجر تا طلوع آفتاب) می باشد.

مِنَى

منی بیابان وسیعی است که در فاصله ی شش کیلو متری در جانب شرقی بین مکه و مشعر الحرام قرار گرفته است. وسعت منی از جَمَره ی عقبه که حد نهایی مکه است تا آخر وادی مُحَسَّر از

ص: 43

1- به احکام حج و اسرار آن ص 237 مراجعه شود

2- قبل از حج بخوانید ص 106

طرف مُزْدَلِفَه 3525 متر است. و این میدان وسیع و فضای مخصوص را «منی» نامند. و وادی محسر نقطه بی است که راه عبور از آن به مزدلفه تنگ می شود و مستحب است سواره و پیاده در آن محل به سرعت عبور کنند. (1)

اماکن ذیل در منی قرار دارد:

الف - مسجد خیف.

ب- جَمَرَات سه گانه (اولی، وسطی، عقبه)

ج- قربان گاه.

حاجیان در منی چند وظیفه دارند: «رمی جمره»، «قربانی»، «سر تراشیدن یا تقصیر»، «ماندن و بیتوته در منی شب یازدهم و دوازدهم» و در بعضی موارد ماندن در شب سیزدهم نیز.

جمرات :

جمرات ستون هایی است از سنگ و سیمان که بر پایه هایی از بتون آرمه قرار دارد و قریب یک متر و نیم ارتفاع آن ها و محکم و استوارند. اطراف جمرات حوضی مانند کاسه بی بزرگ برای سنگ های رمی ساخته اند. (2)

قربان گاه (منحر):

قربانی یکی از شعائر حج و سرزمین «منی» محل قربانی است، و در نقطه بی از آن قربانی جایز می باشد ولی برای حفظ بهداشت و سهولت جمع و ضبط گوشت های قربانی (یا دفن) آن ها،

ص: 44

1- قبل از حج بخوانید ص 110

2- قبل از حج بخوانید ص 113 و 114

یک محل وسیع و جداگانه در انتهای «شارع الجمرات» و برای قربانی اختصاص داده اند. (1)

مدینه

این شهر مقدس در مشرق جده و شمال مکه واقع شده و در 39 درجه و 59 دقیقه ی طول شرقی و 24 درجه و 57 دقیقه ی عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته و جزو استان حجاز است. و فاصله ی آن تا جده 425 کیلو متر و تا مکه 498 کیلو متر است. (2) مدینه یکی از شهر های قدیم عربستان به شمار می رود و پیش از اسلام مرکز اقامت چند طایفه از اعراب و یهود بوده است.

نام اصلی این شهر پیش از هجرت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»، «یَثْرِب» بود و با توجه به هجرت و اقامت آن حضرت در این شهر «مدینه النبی» نام گرفت که اختصاراً «مدینه» نامیده می شود.

در مدینه مساجد بسیاری است که تا 41 مسجد را نام برده اند (منظور) مساجد قدیمی و با سابقه است). مهم ترین این مساجد «مسجد النبی» است، مدفن پیامبر عالی قدر اسلام در خانه ی مسکونی آن حضرت و در جنوب شرقی «مسجد النبی» قرار دارد و «حجره ی مطهره» (3) نامیده می شود.

گروهی از مورخان معتقدند قبر صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا

ص: 45

1- قبل از حج بخوانید ص 113 و 114

2- احکام حج و اسرار آن ص 292

3- اتاق مقدس .

سلام الله علیها میان حجره ی مطهره و منبر مسجد النبی واقع شده گروهی دیگر می گویند بانوی جهان اسلام در قبرستان «بقیع» مدفون است و محلّ قطعی آن در قبرستان مزبور نیز نا معلوم است و برخی احتمال داده اند که آن گرامی در خانه ی خود مدفون شده و به هر حال محل قبر بانوی بانوان جهان مشخص نیست و این اختفاء قبر، باز گو کننده ی گوشه یی از مظالمی است که بر آن حضرت رفته است.

مسجد پیغمبر «صلی الله علیه و آله» و حرم آن حضرت آداب و اعمالی دارد که شرح آن نیازمند رساله ی جداگانه یی است، و در این جا به عنوان حسن ختام این «فرهنگ نامه» توجه خواننده عزیز را به روایت ذیل معطوف می داریم:

امام ششم علیه السلام می فرماید: رسول خدا صل الله علیه و اله فرمود: «هر کس برای برگزاری مراسم حج به مکه بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند (و به من جفا نماید من هم) روز قیامت در حق او بی مهربی و جفا خواهم کرد، و کسی که به عنوان زیارت من آید و (مرا زیارت کند) شفاعت او بر من واجب می شود و هر کس که شفاعتش بر من واجب شود بهشت بر او واجب می گردد. (1)

ضمناً قبرستان بقیع که مدفن چهار امام بزرگ وار ما امام مجتبی امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام است و قبرستان احد، مسجد «قبا»، و چند مسجد مشهور دیگر از اماکن

ص: 46

1- مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَلَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَوْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ جَاءَ فِي زَائِرًا وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَمَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ (بحار الانوار ج 100 ص 140)

مقدس و مورد احترامی است که در مدینه و اطراف آن قرار دارد و افرادی که به مدینه مشرف می شوند برای زیارت و انجام مراسمی که حضور می یابند.

سخن را به پایان می بریم و توفیق حج مقبول و بهره مندی معنوی همه ی مسافران خانه خدا را در این سفر الهی از خدای متعال مسئلت می داریم.

ص: 47

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

